

تأملی

در حریم خصوصی و محدود ساختن امر به معروف و نهی از منکر در رفتارهای علنی از منظر فقه و قانون

حسین جوان آراسته*

تأیید: ۱۴۰۰/۸/۳

دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲

چکیده

این مقاله در مقام پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر صرفاً ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد یا در برخی موارد نمی‌توان امر و نهی را مقید به رفتار علنی و آشکار کرد. مقاله با اشاره به حوزه‌های مختلف حریم خصوصی هم‌چون اعتقادی، جسمانی، اماکن، ارتباطات و اطلاعات، مواد ۳ و ۵ قانون حمایت از آمران به معروف را در سنجش شرع و قانون اساسی قرار داده است. ضمن تأکید بر این که عدم مشروعیت تجسس و ورود به حریم خصوصی شامل آن دسته از اقداماتی نیز خواهد بود که با هدف امر به معروف یا نهی از منکر صورت می‌گیرند، یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که با توجه به اطلاق آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر، وجوب فریضتین محدود به ترک واجبات یا ارتکاب محرمات به صورت علنی نبوده و در کلمات فقها نیز تفصیلی میان ترک یا ارتکاب مخفی و آشکار وجود ندارد. از این رو، به نظر می‌رسد قانون‌گذار در ماده ۳ قانون حمایت از آمران به معروف، میان حرمت تجسس و عمومیت امر به معروف خلط کرده است.

واژگان کلیدی

امر به معروف، نهی از منکر، حریم خصوصی، تجسس، قانون اساسی

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه:

hoarasteh@gmail.com

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وظیفه‌ای همگانی در اصل هشتم مورد تأکید و مطالبه قرار داده است. در اجرای این اصل، پس از فراز و نشیب‌های بسیار زیاد، سرانجام «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۲ توسط شورای نگهبان تأیید شد. در ماده ۳ این قانون، تجسس و در ماده ۵، تعرض به حریم خصوصی با هدف امر به معروف و نهی از منکر ممنوع شده است. این مقاله در صدد است تا با بررسی مبنای فقهی دو ماده مذکور، تحلیل و تبیین خود را ارائه دهد.

مفهوم شناسی

از بایسته‌های هر تحقیقی ارائه تعریفی روشن از اصطلاحات مربوط به آن می‌باشد. از این رو، تأمل شایسته در موضوع مورد بحث و مشخص کردن محدوده آن، مستلزم بررسی دقیق مفاهیمی چون «تجسس»، «حریم»، «حریم خصوصی» است.

تجسس

به اعتقاد جوهری، «جست الاخبار و تجسستها» به معنای تفحص کردن و جست‌وجو از خبر می‌باشد و جاسوس از همین ریشه است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۱۳). نویسنده مجمع البحرین، تجسس را به معنای تفتیش از باطن و درون امور و دنبال کردن اخبار دانسته که بیش‌تر در موارد شر به کار می‌رود و «جاسوس» از همین ریشه است که صاحب اسرار بد است؛ همان گونه که «ناموس» صاحب اسرار خیر است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۵۷).^۱ به نظر می‌رسد تعریف دقیق‌تر از این واژه را معجم مقائیس اللغة ارائه کرده است:

واژه «جس» ریشه‌ای است که بر شناخت یک چیز با دریافت ظریف دلالت دارد و جاسوس بر وزن فاعول از همین ریشه است؛ زیرا جاسوس، مخفیانه و با ظرافت از آنچه می‌خواهد، خبردار می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۱۴).

بیش تر لغت شناسان، معنای «تجسس» را تفحص دانسته و اشاره‌ای به انگیزه شرّ تفحص کننده نکرده‌اند. در این صورت «تجسس» هم می‌تواند شامل تحقیق و جست‌وجو در مورد کارهای خوب مردم و هم کنکاش و تفحص در عیوب مردم باشد. «در برابر این تفسیر موسع از تجسس، عده‌ای از مفسران قرآن، تفسیر مضیقی از این موضوع ارائه کرده و آن را به «تفحص از شر» اختصاص داده‌اند» (سروش محلاتی، ۱۳۹۴، ص ۲۵). برخی با توجه به این که در قرآن کریم از طرفی «تجسس» منع شده^۲ و از سوی دیگر، حضرت یعقوب برای پیدا کردن یوسف، فرزندانش را امر به «تجسس» کرده است،^۳ تجسس را مختص مواردی دانسته‌اند که با انگیزه عیب‌جویی و آگاهی از لغزش‌هایی است که اشخاص راضی به آشکارشدن آن‌ها نیستند؛ در حالی که تجسس، تلاشی است برای آگاهی‌یافتن از چیزهای خوب و اعمال نیک مردم و یا به عبارت دیگر، تلاشی است برای کشف حقیقت با انگیزه درست؛ در صورتی که چنین برداشتی درست باشد، بار معنایی «تجسس» منفی و بار معنایی «تجسس» مثبت خواهد بود؛ هرچند بعید به نظر می‌رسد بتوان نهی وارد در آیه شریفه ۱۲ سوره حجرات را محدود و مقید به مواردی از تجسس دانست که جست‌وجوکننده هدف بدی را در ذهن دارد، قرآن کریم، نفس چنین اقدامی را ناپسند می‌داند؛ مقتضای اطلاق نهی در آیه این است که شامل هر گونه اقدام به تجسس؛ خواه با انگیزه خوب و خواه با انگیزه بد می‌شود و کنکاش در امور دیگران، حتی اگر با انگیزه خیر صورت گیرد، همان گونه که اشاره شد، به لحاظ لغوی، مصداقی از تجسس خواهد بود.

حریم

حریم از ریشه «ح ر م»، به معنای بازداشتن است.^۴ حرام و حریم عبارتند از هر چیزی که عقلاً یا شرعاً یا عرفاً ممنوع باشد.^۵

معانی گوناگون حریم، متضمن مفهوم ممنوعیت و محدودیت است از جمله کار ممنوع و حرام، هرچیزی که لمس آن ممنوع است...معنای

اصطلاحی «حریم» در فقه و حقوق به مفهوم لغوی آن نزدیک و مراد از آن، محدوده خاصی از زمین اطراف مالی غیر منقول؛ مانند خانه، چاه و قنات است که بهره‌برداری از آن منوط به در تصرف داشتن آن زمین است. در منابع فقهی متقدم موضوع حریم غالباً در ضمن مباحثی چون معیشت، قضایا و احکام، تجارت و بیع مطرح می‌شد، ولی در منابع بعدی در مبحث احیای موات به این موضوع پرداخته شده؛ زیرا یکی از شروط تملک زمین‌های موات آن است که در حریم ملک کسی نباشد (حداد عادل، ۱۳۷۵، ج ۱۳، ص ۱۰۱).

به موجب ماده ۱۳۶ قانون مدنی «حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد». ماده ۱۳۹ همین قانون، ملکیت مالک را به نوعی در حریم نیز تسری داده و مقرر داشته است که:

حریم در حکم ملک صاحب حریم است و تملک و تصرف در آن که منافی باشد با آنچه مقصود از حریم است، بدون اذن از طرف مالک صحیح نیست و بنابراین، کسی نمی‌تواند در حریم چشمه و یا قنات دیگری چاه یا قنات بکند، ولی تصرفاتی که موجب تضرر نشود، جایز است.

بدین ترتیب، مالکیت بر حریم، «مالکیت حکمی» است و تصرفات دیگران در حریم، اگر موجب زیان رسیدن به صاحب ملک نشود، جایز است (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۸).

حریم خصوصی

«حریم خصوصی»، این اصطلاح در فقه سابقه نداشته و تعریف واحدی نیز از سوی حقوق‌دانان نسبت به آن ارائه نشده است. در تعریفی از حریم خصوصی آمده است:

حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی

به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو، وی را مورد تعرض قرار ندهند (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۳۸).^۶

به نظر می‌رسد عبارت «با اعلان قبلی در چارچوب قانون» اشاره به بعد شخصی در کنار بعد عرفی می‌باشد. این تعریف عدم رضایت فرد را در دسترسی دیگران به امور مربوط به خود، یکی از عناصر اصلی «حریم خصوصی» به شمار آورده است. با توجه به نوظهور بودن این اصطلاح و خاستگاه غربی و روی‌کرد لیبرالیستی آن، تصریح بر عنصر «عدم رضایت شخص» قابل درک بوده به‌ویژه آن که در حقوق عرفی «حریم خصوصی» صرفاً به عنوان حق مطرح می‌باشد. در فقه و حقوق اسلام، این امور جنبه تکلیفی نیز دارند و به همین جهت، اگر بخواهیم این تعریف را با ملاحظات فقهی در نظر بگیریم، «عدم رضایت شخص» یکی از مقومات تعریف است و «عدم رضایت شارع» را نیز باید به آن اضافه کرد؛ زیرا وقتی می‌گوییم که «شخص انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به قلمروش وارد نشوند»، مفهومی است که فرضاً اگر فردی راضی بود که دیگران به خلوت او با همسرش دسترسی داشته باشند، ولی قانون یا شرع آن را منع کرده بود، در این مورد «حریم خصوصی» منتفی است؛ چون «عدم رضایت» منتفی است.

از سوی دیگر، مبانی حریم خصوصی در حقوق عرفی با مبانی حریم خصوصی در حقوق اسلامی یکسان نیستند. اگر یکی از مبانی اهتمام به حریم خصوصی در اسلام، صیانت از آبرو و عرض افراد باشد، آیا باز هم می‌توان بر عنصر «عدم رضایت شخص» تأکید نمود؟ آیا با این فرض، ملاک، عدم رضایت عرفی یا شخصی است یا عدم جواز شرعی و یا قانونی؟ و یا بر حسب موارد در نظر گرفتن همه این‌ها؟. به نظر می‌رسد نمی‌توان عدم رضایت را صرفاً شخصی یا عرفی دانست، بلکه علاوه بر آن، لازم است عدم ممنوعیت شرعی و قانونی نیز در تعیین قلمرو حریم خصوصی لحاظ شود. با عنایت به این ملاحظات، می‌توان حریم خصوصی را این‌گونه تعریف کرد قلمروی است که هر فرد - جز در موارد بسیار استثنایی - عرفاً یا شخصاً یا شرعاً یا قانوناً از

ورود دیگران به آن یا نظارت دیگران بر آن و یا دسترسی دیگران به اطلاعات مربوط به آن مصون می‌باشد.

این حریم دربرگیرنده ابعاد و حوزه‌های گوناگونی هم‌چون حریم خصوصی اعتقادی (ممنوعیت تفتیش عقاید، مطابق اصل ۲۳ قانون اساسی)، حریم خصوصی جسمانی (شامل هر گونه بازرسی بدنی با درآوردن لباس، تفتیش اندام‌های داخلی انسان و انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی)، حریم خصوصی اماکن، منازل و وسایل، حریم خصوصی ارتباطات (شامل ارتباطات کلامی، ارتباطات پستی، ارتباطات مخابراتی و ارتباطات الکترونیکی و اینترنتی)^۷ و حریم خصوصی اطلاعات (شامل حق اولیه افراد در محرمانه ماندن و جلوگیری از دریافت، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به خود، مگر در موارد قانونی) می‌باشد.^۸

در زمینه حریم خصوصی نکات زیر قابل تأمل است:

۱. بر اساس تعریف پذیرفته شده، دایره حریم خصوصی در حقوق اسلام از دایره حریم خصوصی در حقوق عرفی از بسط و گستردگی بیش‌تری برخوردار است و این امر یکی از امتیازات فقه و حقوق اسلام خواهد بود؛ زیرا چتر حمایتی آن نسبت به حقوق انسان‌ها گسترده‌تر می‌باشد.

۲. «حریم خصوصی» اختصاص به اعمال شخص نداشته، بلکه اندیشه‌ها و وضعیت‌های افراد را نیز دربر می‌گیرد.

۳. «حریم خصوصی» مفهومی عام است که یکی از مفاهیم زیرمجموعه آن «حق خلوت» می‌باشد. بنابراین، نباید این دو را معادل هم دانست.

۴. حریم خصوصی حوزه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که عبارتند از حریم خصوصی اعتقادی، حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی ارتباطات و حریم خصوصی اطلاعات که در جای خود باید مورد بحث قرار گیرند.

۵. در فقه اسلام می‌توان اموری چون ممنوعیت تجسس، تفتیش، فاش کردن عیوب دیگران، استراق سمع، غیبت و ورود بدون اجازه به منزل دیگران را از جمله موارد دفاع از حریم خصوصی به شمار آورد.

تجسس و تعرض به حریم خصوصی به عنوان امر به معروف و نهی از منکر در فقه
پس از روشن شدن مفاهیم اصلی، از آنجا که موضوع مورد بحث، ابعاد مختلفی دارد، لازم است حکم فقهی عناوینی چون تجسس با انگیزه امر به معروف و نهی از منکر، تعرض به حریم خصوصی روشن شود و در خصوص قلمرو شرعی امر به معروف و نهی از منکر نیز جواز شمول آن نسبت به موارد غیر علنی، مورد تأمل قرار گیرد.

حرمت تجسس

مقتضای اطلاق نهی از تجسس در آیه ۱۲ سوره حجرات این است که تجسس؛ خواه با انگیزه امر به معروف و نهی از منکر و خواه با انگیزه دیگری صورت گیرد، امری نکوهیده و حرام است. روایات ناظر به نهی از تجسس به قدری زیاد است که اگر آن‌ها را متواتر ندانیم، به صورت قطع می‌توانیم بگوییم متظافرنند. در این جا تنها به سه نمونه اشاره می‌کنیم:

ابو بصیر از امام باقر 7 و او از رسول خدا 9 نقل می‌کند که فرمود: «یا معشر من أسلم بلسانه و لم یسلم بقلبه لا تتبعوا عثرات المسلمین فإنه من تتبع عثرات المسلمین تتبع الله عثرته و من تتبع الله عثرته یفضحه» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۳۵۴)؛ ای گروه مسلمانان که به زبان اسلام آورده و قلباً مسلمان نشده‌اید! به دنبال لغزش‌های مسلمانان نباشید؛ زیرا هر کس چنین باشد، خداوند در جست‌وجوی عیوب او خواهد بود و در این صورت، او را رسوا خواهد کرد.

شیخ مفید نیز در کتاب اختصاص، شبیه همین روایت را گزارش کرده است^۹ (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۲۵). امیر مؤمنان علی 7 خطاب به مالک اشتر فرمود:

باید دورترین مردم از تو و مبعوض‌ترین آنان، کسی باشد که از دیگران عیب‌جو تر است؛ زیرا در مردم عیوبی هست که حاکم در پوشاندن آن عیوب از همه کس سزاوارتر است، پس در جست‌وجوی امور پنهان مباش، وظیفه تو اصلاح اموری است که بر تو معلوم است و نسبت به آنچه از عیوب

رعیت بر تو پنهان است، خداوند داوری می‌کند، پس تا آن جا که می‌توانی عیب را ببوشان تا خداوند نیز عیوب تو را که علاقه داری از مردم پوشیده بماند، پرده‌پوشی کند^۱ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

روشن است که نهی در این روایات، ظهور در حرمت دارد:

هر که در آیات و اخبار ائمه اطهار - سلام الله علیهم - تتبع داشته باشد، بر او معلوم می‌شود که هر که در صدد عیب‌جویی مردم و رسواکردن ایشان است، خبیث‌ترین افراد انسان و رذل‌ترین ایشان است. خداوند عالم - جلّ شأنه - می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ به درستی که کسانی که دوست دارند اعمال ناشایست از مؤمنین ظاهر گردد، از برای ایشان آماده است عذاب دردناک (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۵۳۹).

گزارش کرده‌اند که شبی خلیفه دوم در حال گشت‌زنی در مدینه، از خانه‌ای صدای آواز مردی را شنید، از دیوار وارد خانه شد و گفت: ای دشمن خدا، آیا تصور کرده‌ای در چنین حالی خداوند گناهت را می‌پوشاند؟ مرد گفت: ای امیر مؤمنان شتاب مکن، اگر من یک گناه کردم تو مرتکب سه گناه شدی! خداوند از تجسس نهی کرد و تو کردی، خدا فرمود از در خانه وارد شوید و تو از دیوار آمدی و خدا فرمود هرگاه خواستید به خانه‌ای درآیید اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویند و تو بدون اذن وارد شدی (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۸۰۸).

حرمت تعرض به حریم خصوصی

هرچند اصطلاح «حریم خصوصی» در فقه به کار نرفته و آن چه وجود دارد، مسأله «حریم» است، اما اموری چون اصل برائت، ممنوعیت تجسس، فاش‌کردن عیوب دیگران، استراق سمع و ورود بدون اجازه به منزل دیگران را می‌توان در راستای دفاع از حریم خصوصی به شمار آورد. قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام

گویید؛ این برای شما بهتر است، باشد که پسند گیرید»^{۱۱} (نور: ۲۴): ۲۷). خداوند با تعبیر «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا»، مؤمنان را از ورود بدون اجازه در ملک دیگران نهی فرموده است. استیناس در این جا به معنای اذن گرفتن می باشد و مراد این است که وارد خانه نشوید تا آن که به واسطه اجازه گرفتن، انس بگیرید (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۳۰). از آیه می توان استفاده کرد که آن چه به عنوان حریم خصوصی افراد مطرح است، دارای مصونیت بوده و دیگران بدون اذن صاحب خانه مجاز به ورود نمی باشند. اطلاق نهی در آیه، مفید این معناست که حتی با این احتمال که ساکنان محل در حال انجام گناه و معصیت می باشند، افراد نمی توانند به قصد نهی از منکر وارد منزل شوند.

از سوی دیگر، باید به این نکته توجه داشت که ممنوعیت ورود به حریم خصوصی، منوط به بودن یا نبودن اشخاص در خانه نیست.

اگر شما به خانه کسی رفتید و هیچ کس نبود، تکلیف چیست؟ آیا می توانید بگویید حالا که کسی نیست و قهراً زن و نامحرمی هم نیست، پس حق داریم وارد بشویم؟ نه، این که به خانه کسی بدون اجازه نباید رفت، تنها به خاطر وجود نامحرم نیست، اصلاً در زندگی خصوصی مردم بدون اجازه نباید وارد شد. چون در زندگی خصوصی، هر کسی ممکن است چیزهایی داشته باشد که نخواهد دیگران ببینند (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۶، ص ۴۴۱).

برخی نویسندگان، حرمت ورود به حریم خصوصی را مستند به دلایلی هم چون حرمت تجسس، احترام منزل و حرمت اشاعه فحشا دانسته اند (سروش محلاتی، ۱۳۹۴، ص ۶۵-۲۴). به فتوای امام خمینی ۱، تنها در ارتباط با منکرهای بسیار مهم؛ نظیر جلوگیری از کشتن انسان بی گناه می توان به محل کار یا منازل افراد وارد شد و در سایر موارد، این گونه اقدامات حرام است.

اگر جلوگیری از منکر متوقف بر ورود بدون اجازه به داخل خانه یا ملک دیگری یا تصرف در اموال وی از قبیل فرش و رختخواب باشد، در صورتی جایز است که منکر به قدری مهم باشد که خداوند راضی به ارتکاب آن نیست؛ نظیر کشتن انسان بی گناه

و اما در غیر این گونه موارد، تصرف در ملک دیگران مشکل است؛ هرچند که بعید نیست بعضی از مراتب تصرف در بعضی از منکرات جایز باشد (امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۰).

شاید بتوان از باب الغای خصوصیت یا تنقیح مناط، حکم عدم جواز را نسبت به موارد دیگری از قبیل وسایل نقلیه افراد و بازرسی از آنها تسری داد؛ با این توضیح که منزل افراد یا محل کار آنان خصوصیتی ندارند و آن چه مهم است، عدم تعرض به حریم خصوصی افراد می باشد که می تواند مصادیق متعدد داشته باشد.

قلمرو شرعی امر به معروف و نهی از منکر

اسلام به عنوان مکتبی جامع و کامل با در نظر گرفتن فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در صدد است بزرگترین گام را در سلامت فرد و جامعه و نیز امنیت خاطر آنان بر دارد، اگر این فریضه به درستی اجرا گردد، - به استثنای افرادی معدود - آسایش و آرامش ویژه ای در جامعه برقرار خواهد شد، ولی اگر اجرای آن، حالت پلیسی به خود بگیرد و فضایی از رعب و وحشت و عدم امنیت بر افراد جامعه حاکم شود، خودش نوعی منکر خواهد بود. در اجرای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر همواره باید توجه داشت که نباید به ضد خود تبدیل شود و آرامش روحی و روانی را از مردم سلب کند.

قلمرو شرعی فریضه امر به معروف و نهی از منکر را از دو منظر می توان مورد بحث قرار داد:

عدم مشروعیت تجسس و تعرض به حریم خصوصی با هدف امر به معروف یا نهی از منکر
از آن جا که اقدام به امر و نهی، منوط به آگاهی از ترک معروف یا انجام منکر می باشد، آیا مؤمنان مجازند، این آگاهی را از طریق تجسس و یا ورود به حریم خصوصی دیگران به دست آورند؟ پاسخ این است که هر چند انگیزه کار مقدس باشد، نمی توان از ابزار حرام که تجسس است، کمک گرفت.

یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر آن است که منکر بدون

تجسس برای محتسب، آشکار باشد، بنا بر این، تجسس نه تنها واجب نیست، بلکه جایز هم نمی‌باشد؛ مثل این‌که در بسته را باز کند یا گوش یا بینی خود را به در بگذارد، برای این که صدایی دریافت کند یا بویی بکشد یا از شخص بخواهد آنچه را زیر پیراهن دارد، نشان دهد و مانند این‌ها؛ به دلیل صراحت کتاب و سنت [هیچ یک از این امور جایز نمی‌باشد]^{۱۲} (نراقی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۰).

سخن نراقی هرچند در مورد نا مشروع بودن تجسس برای محتسب می‌باشد که در گذشته به صورت رسمی وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده داشته است، ولی روشن است که این ممنوعیت اختصاصی به محتسب ندارد و شامل همه کسانی می‌شود که برای انجام فریضتین به سراغ تجسس از احوال مردم می‌روند.

همین دیدگاه را می‌توان در فرمان امام خمینی ۱ خطاب به مقامات امنیتی و قضایی کشور مشاهده کرد. ایشان در تاریخ ۲۴ آذر سال ۱۳۶۱ در فرمانی هشت ماده‌ای، بر ممنوعیت تجسس و رعایت شدید حریم خصوصی مردم تأکید ورزیدند. در بند ششم این فرمان - که نشان‌گر میزان دغدغه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نسبت به حقوق مردم و رعایت ضوابط شرع مقدس اسلام می‌باشد - آمده است:

هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی، بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم؛ هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده، ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان، از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و

مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد
(امام خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱۷، ص ۱۴۱).

تصریح این فقیه بنیان‌گذار و سیاست‌مدار به این که هیچ کس (خواه مقامات و خواه مردم) حق ندارد، حتی برای کشف گناهان بزرگ، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، تردیدی در ممنوعیت بهره‌گیری از ابزار حرام با انگیزه درست و برای انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر باقی نمی‌گذارد.

تجسس برای امر به معروف و نهی از منکر، خود یکی از بزرگ‌ترین منکراتی است که ذهنیت بسیار بدی را در میان مؤمنان به وجود خواهد آورد و چهره زیبای این دو واجب را زشت و کریه نشان خواهد داد.

این خود ما بودیم که این اصل را به صورتی در آوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموشانیدیم... امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، شرایطی دارد. ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آن‌ها تجاهر می‌شود، حق تعرض داریم، دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است نداریم. ولی در گذشته نزدیک، یک عده مردم ماجراجو و شرور بالطبع که می‌خواستند ماجراجویی کنند و حساب خرده‌های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دستاویز قرار می‌دادند (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۱۹۹).

شمول امر به معروف و نهی از منکر نسبت به موارد غیر علنی

این موضوع را می‌توان به صورت این پرسش مطرح کرد که:

آیا وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، تنها در خصوص واجبات و منکراتی است که به صورت علنی و آشکار ترک می‌شوند یا انجام می‌گیرند یا به طور عام، واجب است [و نسبت به] «معروف‌هایی که مخفیانه یا علنی ترک می‌شوند» و «منکراتی که مخفیانه یا آشکار انجام می‌گیرند»، در هر دو صورت، امر و نهی واجب است؟ (ورعی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳-۱۴۲).

به تعبیر دیگر، در باره گناهایی که مخفیانه انجام می‌گیرد و شخص مکلف، (با تجسس یا بدون آن که تجسس کرده باشد) از گناه مطلع می‌شود، آیا وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارد یا این وظیفه، تنها در باره گناهایی است که به صورت علنی انجام می‌شوند؟ در پاسخ باید گفت که آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر، اطلاق دارند و وجوب فریضتین محدود به واجبات و محرمات علنی و آشکار نشده است؛ افزون بر اطلاق، ظاهر تعبیر برخی روایات، دلالت بر عمومیت دارد. به عنوان نمونه در روایتی، امام صادق 7 خطاب به فضیل بن عیاض فرمود:

«... و إذا رأى المنکر فلم ینکره و هو یقدر علیه فقد أحبّ أن یعصى الله عزّ و جلّ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۰۸ و شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵۳)؛ هنگامی که فردی منکری را ببیند و در حالی که قدرت دارد نهی نکند، دوست داشته است که خداوند معصیت شود... .

روشن است که دیدن منکر مواردی را نیز شامل می‌شود که فردی در پنهانی در حال ارتکاب منکری است و شخصی اتفاقی آن را مشاهده می‌کند، در چنین مواردی هم وجوب نهی از منکر مطرح می‌باشد لازمه منحصر دانستن امر به معروف و نهی از منکر به موارد آشکار این است که اگر ما را دعوت به مجلسی خصوصی کردند و با حضور در آن مجلس دیدیم که افراد مرتکب منکراتی از قبیل قماربازی یا نوشیدن شراب‌اند، نهی از منکر واجب نباشد یا این که اگر فردی مخفیانه در حال نوشیدن شراب است و ما بر حسب اتفاق، با او مواجه شدیم، از این منکر نهی نکنیم؛ به نظر می‌رسد دلیلی بر این انحصار وجود ندارد. آری اشخاص حق تجسس ندارند، حتی اگر احتمال زیاد به ارتکاب گناه دهند.

در کلمات فقها نیز تفصیلی میان معروف‌ها و منکرهای مخفی و آشکار وجود ندارد و آنان در بیان شرایط امر به معروف و نهی از منکر نیز سخنی از «آشکاربودن ترک معروف و ارتکاب منکر» به میان نیاورده‌اند (ورعی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳). شرایط امر به معروف و نهی از منکر در متون فقهی عبارت است از علم به معروف و منکر، وجود نشانه‌ای بر این که تارک معروف یا فاعل منکر بنای بر استمرار دارد، احتمال تأثیر، عدم

خوف ضرر و عدم مفسده (ابن ادريس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۱ و شهيد ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۲)، برخی از فقیهان امامیه حضور در مجالسی را که فعل منکری در آن انجام می‌گیرد، در صورتی که با هدف نهی از منکر باشد، جایز دانسته‌اند (ابن ادريس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱۵).

سخن نراقی در معراج السعاده در این زمینه کاملاً صراحت دارد:

اگر کسی گمان برد که شخصی در خانه مشغول معصیتی است، اما یقین نداشته باشد، نمی‌تواند داخل آن‌جا شود و نباید در صدد تحقیق آن بر آید و هم‌چنین جایز نیست گوش‌فراداشتن تا معلوم شود که صدایی که می‌آید، معصیت است یا نه، یا بوییدن دهان به جهت آن‌که معلوم کنی شراب خورده است یا نه، یا تحقیق این‌که آیا در خانه شراب دارد یا آن‌چه در ظرف اوست، شراب است یا نه؟ یا پرسیدن این‌که در زیر دامن، آلت «سازی»، پنهان کرده است یا نه و خلاصه تا آن‌که علم حاصل نشود، تفحص و تجسس نمودن جایز نیست و از همسایه و رفقای فاسق، تفتیش او را کردن روا نه. بلی، اگر کسی تفحص نمود و بر آن معصیتی معلوم شد، در آن وقت نهی از آن لازم است؛ گو ابتدا خوب نکرده که تجسس نموده (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۵۱۶).

بدین ترتیب با توجه به اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر و نیز فلسفه تشریح این دو فریضه مبنی بر «گرایش مردم به انجام نیکی‌ها» و «روی‌گردانی آنان از منکرات» (ورعی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۴۷)، روشن می‌شود که وجوب نهی از منکر اختصاصی به «گناهان آشکار» ندارد. آن‌چه از استاد شهید مطهری نیز نقل شد، ظهور در ممنوعیت تجسس دارد و همان‌گونه که در بیان مولا احمد نراقی تصریح شده است، پس از آگاهی‌یافتن از این‌که فردی معروفی را ترک یا منکری را انجام می‌دهد و با در نظر گرفتن شرایط، وظیفه امر و نهی وجود خواهد داشت؛ هرچند این آگاهی از راه حرام و تجسس به دست آمده باشد؛ همان‌گونه که گفتیم ادله وجوب این فریضه، مقید به «علنی بودن» نیست، این امر گویای آن است که امر به معروف و نهی از منکر؛ چه در

مواردی که معروفی به صورت مخفی ترک می‌شود و چه مواردی که معروفی به صورت آشکار ترک می‌گردد، واجب است. فلسفه امر به معروف و نهی از منکر نیز اقتضا می‌کند که وجوب امر به معروف و نهی از منکر اختصاص به گناہانی که به صورت آشکار انجام می‌شود، نداشته باشد.

تجسس و تعرض به حریم خصوصی به عنوان امر به معروف و نهی از منکر در قانون

ماده ۳ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌گوید: «امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد». به موجب ماده ۵ همین قانون، «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

تبصره - «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه، مشمول حریم خصوصی نیست».

به نظر می‌رسد قانون‌گذار میان حرمت تجسس از یکسو و لزوم امر به معروف ترک‌شده یا نهی از منکر ارتكابی، خلط کرده است. زیرا همان گونه که اثبات شد، به لحاظ شرعی، وظیفه امر و نهی نسبت به معروف و منکرهایی که در نهمان، ترک یا انجام می‌شود نیز ثابت می‌باشد؛ البته این احتمال وجود دارد که قانون‌گذار با آن که بر این امر واقف بوده بنا به ملاحظاتی نگاه موسع فقهی را در نظر نگرفته است؛ قید «در این قانون» در صدر ماده می‌تواند شاهی بر این احتمال باشد. در چنین صورتی با دو نوع روی‌کرد فقهی عام و قانونی خاص مواجه خواهیم بود؛ به گونه‌ای که به لحاظ قانونی، تکلیف امر و نهی که متوجه شهروندان است، صرفاً مربوط به رفتارهای آشکار و علنی می‌باشد.

احتمال دیگری که در تحلیل ماده ۳ می‌توان در نظر گرفت، این است که قانون‌گذار در صدد بوده است که میان نظارت‌های رسمی که عالم‌اً عامداً و توسط مقامات صورت

می‌گیرد، با امر به معروف و نهی از منکر که به تعبیری نظارت غیر رسمی و عمومی است، فرق گذارد؛ زیرا نظارت، عملی است انتخابی و آگاهانه که به منظور آگاهی از عمل کرد نظارت‌شونده و جلوگیری از انحراف و اشتباه یا تضييع حقوق، آشکارا یا مخفیانه به شیوه‌های مختلف صورت می‌پذیرد. نظارت اصولاً عامدانه می‌باشد و به همین جهت، اقدامات تصادفی را نمی‌توان نظارت نام نهاد (جوان آراسته، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱). نظارت؛ چه به صورت استصوابی و چه در شکل استطلاعی آن در ابعاد مختلف اداری، قضایی و سیاسی، عالماً عامداً صورت می‌گیرد. این امر با نظارت‌های مردمی که نظارت‌هایی اتفاقی هستند، تفاوت زیاد دارد. اگر امر به معروف و نهی از منکر را نظارت عمومی نام نهمیم، در این صورت محدوده این نظارت تنها و تنها در جایی است که افراد با معروف ترک‌شده یا منکر انجام‌شده روبه‌رو شوند، در این حالت وظیفه نظارتی آنان ایجاب می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر کنند. بدین ترتیب، روشن می‌شود که در این دسته از نظارت‌ها، مردم حق تحقیق، تفحص، تجسس و کند و کاو نسبت به اعمال دیگران را ندارند و بر همین اساس، شبکه‌های بازرسی و کنترل مأموران دولت یا ضرورت نظارت پنهانی در نامه‌های امیر مؤمنان^{۱۳} را نمی‌توان مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر دانست.

در این جا مروری بر یکی از فرامین امام خمینی^۱ و تأمل نسبت به آن بایسته

است:

مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهُو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی، مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند؛ چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر؛ به نحوی که در اسلام مقرر است، عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و

ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آن چه از این قبیل موجود است، آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند و هم‌چنین هیچ‌یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است (امام خمینی، ج ۱۷، ص ۱۴۰).

این فرمان تاریخی، از سوی فقیهی که خود بنیان‌گذار انقلاب اسلامی است، ارزش فقهی و حقوقی فراوانی دارد. گویا این دغدغه و نگرانی در امام خمینی 1 وجود داشته است که قدرتی که در اختیار دولت و کارگزاران دولتی است، چه بسا ممکن است به عناوین و بهانه‌های مختلف و حتی عناوین مقدسی هم‌چون امر به معروف و نهی از منکر، مورد سوء برداشت یا سوء استفاده قرار گیرد و ضمن ایراد خسارت مادی یا معنوی بر مردم، چهره زشتی از اسلام را در اذهان مردم به تصویر کشد. ملاک اصلی برای دخالت دولت به عنوان امر به معروف و نهی از منکر، تجاهر به فسق از سوی افراد می‌باشد. این جاست که دولت اسلامی باید از همه ابزارهایی که در اختیار دارد، برای جلوگیری از آن اقدام کند و کسانی را که آشکارا محرمات الهی را مرتکب می‌شوند و فساد را ترویج می‌کنند، مورد تعقیب و مجازات قرار دهد. دغدغه‌هایی از این دست، در موارد دیگر نیز از سوی امام خمینی 1 وجود داشته و مطرح شده است:

نباید با مردم طوری کرد که مردم در خانه‌های‌شان مطمئن نباشند، در زندگی‌شان، در تجارت‌شان، در کسب‌شان مطمئن نباشند. دولت اسلامی باید مردم را مطمئن کنند در همه چیز. در سرمایه‌های‌شان، در کسب‌شان، در

کارخانه‌هاشان، در همه چیز، مردم در آرامش باشند و دولت ابداً نمی‌تواند که تأذی بکند به آن‌ها و نباید تأذی بکند و اگر یک کسی تأذی کرد، آن تأذیب خواهد شد... از آن‌ور هم، اگر سوء استفاده بخواهند بکنند، آن‌هایی که مخالف با اسلام هستند، حالا بیایند توی خیابان کار خلاف بکنند... با شدت سرکوب خواهد شد. اگر کسی فسق بکند در خارج، متجاهر بشود، هر نحو فسقی باشد، به شدت باید دولت با او عمل کند... (همان، ص ۱۶۱).

به این نکته نیز باید اشاره کرد که تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران، با این عبارت که «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست»، به نوعی تفسیر مفهومی از حریم خصوصی است؛ بدین صورت که هر چه که در معرض دید عموم مردم قرار دارد، حریم خصوصی بر آن صدق نمی‌کند و در نتیجه از این بابت، حکم ممنوعیت در مورد آن وجود نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

۱. قلمرو حریم خصوصی در اندیشه اسلامی در مقایسه با دایره حریم خصوصی در حقوق عرفی از بسط و گستردگی بیشتری برخوردار است.
۲. تجسس و تعرض به حریم خصوصی، حتی اگر با انگیزه مقدس و با هدف امر به معروف و نهی از منکر، صورت گیرد، شرعاً حرام و قانوناً قابل پیگرد می‌باشد.
۳. با توجه به اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر و نیز فلسفه تشریح این دو فریضه، وجوب امر به معروف و نهی از منکر اختصاص به گناهانی که به صورت آشکار انجام می‌شود، ندارد و از این رو، ماده ۳ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که امر به معروف و نهی از منکر را صرفاً ناظر به رفتار علنی دانسته است، با موازین فقهی، چندان هم‌سو نمی‌باشد.
۴. به رغم اشکال ماده ۳ قانون حمایت از آمران به معروف، مفاد ماده ۵ این قانون، منطبق با موازین شرعی است.

یادداشت‌ها

۱. «التجسس التفتیش عن بواطن الأمور و تتبع الأخبار، و أكثر ما يقال فی الشر، و منه الجاسوس، و هو صاحب سر الشر، كما أن الناموس صاحب سر الخير».
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَآ تَجَسَّسُوا» (حجرات(۴۹): ۱۲).
۳. «يَا بَنِيَّ أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ» (يوسف(۱۲): ۸۷).
۴. «حرم أصل واحد و هو المنع و التشديد. فالحرام ضدّ الحلال» (احمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة)، ج ۲، ص ۴۵.
۵. «فالحرام و الحرم و الحریم علی أوزان جبان و حسن و شريف: صفات مشبهة و معناها ما كان ممنوعاً عقلاً أو شرعاً أو عرفاً» (حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۲، ص ۲۰۵).
۶. بند ۱ از ماده ۲ لایحه حریم خصوصی که توسط دولت سیدمحمد خاتمی به مجلس ارائه شد. همین تعریف با اندکی تغییر از سوی یکی از حقوق‌دانان انتخاب شده است: «قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی یا به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند» (باقر انصاری، حقوق حریم خصوصی، ص ۳۸).
۷. مطابق اصل ۲۵ قانون اساسی «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون». مطابق بند ف ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مصوب ۸۲/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی، «حفاظت و حراست و عدم ضبط و افشای انواع مراسلات و امانات پستی و همچنین مکالمات تلفنی و مبادلات شبکه اطلاع‌رسانی و اطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی طبق قانون» بخشی از وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است. بر این اساس، انواع شنود و رهگیری‌ها بدون رضایت افراد ممنوع می‌باشد.
۸. قانون تجارت الکترونیک ایران، مصوب ۸۲/۱۰/۱۷ مجلس شورای اسلامی در مواد ۵۸ تا ۶۱ به موضوع حمایت داده‌ها پرداخته است.
۹. قال رسول الله ﷺ: «يا معشر من أسلم بلسانه و لم یخلص الإیمان إلی قلبه لا تدموا المسلمین و تتبعوا عوراتهم فإِنَّه من تتبع عوراتهم تتبّع الله عورته و من تتبّع الله عورته یفضحه فی بیته».

۱۰. «و لیکن أبعد رعیتک منک و أشنأهم عندک أطلبهم لمعايب النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عيوباً الوالی أحقّ من سترها فلا تكشفنّ عمّا غاب عنک منها فَإِنَّمَا علیک تطهیر ما ظهر لك و اللّهُ یحکم علی ما غاب عنک فاستر العورة ما استطعت یستر اللّهُ منک ما تحبّ ستره من رعیتک».
۱۱. «یا ایُّها الَّذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتّی تستأثروا و تسلموا علی أهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون».
۱۲. «و من الشرائط ان یشهر المنکر علی المحتسب من غیر تجسّس، فلا یجب، بل لایجوز التجسّس، کفتح الباب المغلق و وضع الاذن و الانف لاحتباس الصوت و الريح و طلب إرائة ما تحت الثوب و امثال ذلك، لنص الكتاب و السنة».
۱۳. به عنوان نمونه، نامه ۵۳ نهج البلاغه: «وابعث العیون من اهل الصدق و الوفاء علیهم».

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، ج ۲، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۶. امام خمینی، سیدروح اللّهُ، صحیفه امام، ج ۱۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۳.
۷. امام خمینی، سیدروح اللّهُ، تحریر الوسیلة، ج ۲، قم: دار العلم، بی تا.
۸. انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۹. جوان آراسته، حسین، اصل هشتم قانون اساسی (بایسته های فقهی و حقوقی امر به معروف و نهی از منکر)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۱۰. جوان آراسته، حسین، گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۳، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۱۲. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۳، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۳. راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله بن حسین، فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، ج ۲، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.
۱۴. سروش محلاتی، محمد، احکام حریم خصوصی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۳، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۳ق.
۱۷. شیخ مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۱۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۴، تهران: مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۱۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۰. قانون تجارت الکترونیک ایران، مصوب ۸۲/۱۰/۱۷.
۲۱. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر.
۲۲. قانون مدنی ایران.
۲۳. قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مصوب ۸۲/۹/۱۹.
۲۴. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۲۵. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۶. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ج ۱، تهران: میزان، ۱۳۸۳.
۲۷. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق: بکری حیانی، ج ۳، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
۲۸. محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۲۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۳۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، تهران: صدرا، ۱۳۹۰.
۳۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۶، تهران: صدرا، ۱۳۸۷.
۳۲. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۳۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعادة، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۸.
۳۴. نراقی، مهدی، جامع السعادات، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
۳۵. ورعی، سیدجواد، مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.